

لازمه احیاء و حفظ بافت تاریخی؛

وجود طرح جامع احیاء و مرمت و حضور معمار و ناظر مجرب!

در گفتگویی با محمدرضا کارگر

معاون سابق سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری یزد

تهیه و تنظیم: محبوبه آذرزاده

استادیناها و حتی شاگردانشان را فراموش نمی‌کنم. به منظور پاسخ به سؤال شما لازم می‌دانم مقدمه کوتاهی را خدمتان عرض کنم: دفتر فنی حفاظت آثار باستانی یزد که در آن زمان در باغ دولت‌آباد مستقر بود در فروردین سال ۱۳۵۶ طی اطلاعیه‌ای اعلام نمود که نیاز به یک نفر تکنسین ساختمان دارد و مدتی بعد هم با برگزاری آزمون عملی با حضور جمعی کوچک، این آزمون که عبارت بود از ترسیم "پلان ساختمان هشتی باغ دولت‌آباد معروف به عمارت بادگیر، با مقیاس تقریبی ۱٪ و با دست آزاد" برگزار شد، اینجانب انتخاب و پس از دوماه آموزش تحت نظر متصدی قبلی این کار آقای مهدی خاکسار که ایشان هم تکنسین ساختمان و اهل شیراز بودند به عنوان مسئول تهیه طرح‌های مرمت ابنیه و آثار تاریخی یزد و همچنین تهیه گزارش تعمیرات انجام گرفته و ارسال به سازمان، مشغول به کار شدم. مدیریت دفتر فنی یزد را در دو یا سه سال قبل از انقلاب، جناب آقای مهندس پرویز طلائی عهده‌دار بودند. در آن زمان یکی از فعالیت‌های عمده دفتر فنی حفاظت آثار باستانی یزد، تهیه نقشه کامل ابنیه و آثار تاریخی مهم در سطح استان و بعد هم ارسال پرونده آن‌ها به سازمان، برای ثبت در فهرست آثار ملی بود، اما در بخش کارگاهی، یکی از ویژگی‌های خوب دفتر فنی در آن دوره، حضور ۳۰ الی ۴۰ نفر استادبنا و شاگرد و یک یا دو نفر معمار رسمی بود که آن‌ها به فن مرمت تعمیرات، شناخت و آشنایی داشتند و عملیات مرمت و

محمدرضا کارگر متولد ۱۳۳۲ در یزد است. بازنشسته سازمان میراث فرهنگی استان یزد (۱۳۸۶)؛ از جمله سوابق اجرایشان می‌توان معاونت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد در سال‌های (۱۳۶۱-۱۳۶۹)، معاونت حفظ و احیای سازمان (۱۳۷۳-۱۳۸۶) و سرپرست سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد (۱۳۶۹-۱۳۷۳) را ذکر کرد. مجموعه چیدمان طبق روند برگزاری گفتگوها، در جستجوی مکانی برای گفتگو با ایشان بود که در کمال فروتنی پذیرفتند به دفتر فصلنامه بیایند و در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۹۴ این گفتگو به سرانجام رسید...

چیدمان: با توجه به تجربیات ارزشمند و چند دهه حضور فعال شما در میراث فرهنگی یزد، سیر تاریخی، جایگاه و نقش سازمان میراث فرهنگی را در خصوص رویدادهایی که به لحاظ مرمت و احیاء بافت تاریخی یزد اتفاق افتاده را تشریح بفرمایید؟

در ابتدا به روان پاک معماران ارزشمندی چون استاد علی اکبر خرمی معروف "اکبر آخوند" معماری از نسل قدیم یزد و گنجینه معلومات، شعر و ادب و همچنین مرحوم دکتر شیرازی که حداقل دو دهه افتخار شاگردی ایشان را داشتم و از نظر عملی و نظری واقعاً استادی بی‌نظیر بودند، درود می‌فرستم و هیچ‌وقت رفتار توأم با متانت و احترام و افتادگی ایشان را خصوصاً هنگام بازدید و سرزدن به کارگاه‌های مرمت ابنیه و آثار تاریخی با معماران و





محمد رضا کارگر

بازسازی و بازپیدایی هر بنا را طبق برنامه مرمتی که قبلاً به تأیید و تصویب شورای فنی سازمان رسیده بود انجام می‌دادند. عمده بناهای تاریخی مطرح و بیشتر مورد توجه آن زمان عبارت بودند از: برج و باروی تاریخی شهر، باغ دولت‌آباد، مدرسه ضیائییه معروف به زندان اسکندر، بقاع تاریخی سیدرکن‌الدین و سیدشمس‌الدین، مسجد ریگ، خانه تاریخی حسینیان و بقعه و حسینیه هشت، آتشکده زرتشتیان، بقعه شیخ احمد فهادان و مسجدجامع یزد و بناهای خارج شهر یزد نارین قلعه میبد، مجموعه سلطان بندرآباد، کاروانسرای زین‌الدین، مساجد جامع میبد، بافق و خرانق و همچنین بقاع تاریخی شیخ جنید توران‌پشت، شیخ علی بلیهان بیداخوید و مسجدجامع فهرج بود و اما گمان اینجانب، سرآغاز توجه و ارتباط با بافت تاریخی قبل از انقلاب که به بعد از انقلاب هم منتقل شد موضوع حریم ابنیه و آثار تاریخی مهم و با قدمت زیاد بود که بعد از بناها در فهرست آثار ملی، سازمان مرکزی با اعزام هیأت کارشناسی نسبت به تعیین حریم درجه یک و درجه دو آن‌ها، اقدام و ضوابط ساخت‌وساز و مداخله در بافت و فضای پیرامونی هر یک جداگانه به دفتر فنی استان، ابلاغ می‌کردند و از طرف دیگر با توجه به وجود اکثر بناهای تاریخی مهم شهر یزد در دل بافت قدیم اینکه بعضی از این بناها مخصوصاً برج و باروی تاریخی شهر در قبل از انقلاب مرتب در حال مرمت و بازسازی و بازپیدایی بود، مردم ساکن در محلات قدیمی بعد از انقلاب اسلامی، ضمن ابراز انتقاداتی، توقع داشتند که دولت مثلاً به جای این همه پول خرج دیوار و باروی قدیمی شهرکردن، یک مقدار به وضعیت کوچه، محلات، مرمت ساباط‌ها و فضاهای عمومی دیگر مثل حسینیه‌ها و مساجد محلات بپردازد. البته در همان زمان هم افرادی بودند که به طور کلی مخالف ادامه کار و فعالیت اینگونه تشکیلاتی بودند. در اینجا یادآوری می‌نمایم که مدیریت دفتر فنی حفاظت آثار باستانی یزد در جریان انقلاب و یکی، دو سال بعد از آن را آقای مهندس رضا علائی به عهده داشت که فعالیت ایشان و دفتر فنی بیشتر روی باغ دولت‌آباد و تعدادی از بناهای تاریخی خارج شهر، متمرکز بود.

اما رویداد مهمی که یکی دو سال بعد از انقلاب اسلامی در دفتر فنی حفاظت آثار باستانی یزد به وجود آمد حضور جناب آقای محمدرضا اولیاء به عنوان مدیر این تشکیلات، آن هم با حکم شهید آیت‌ا... صدوقی بود. ایشان با توجه به بنیه علمی، مذهبی خود و همچنین پیشینه فرهنگی، انقلابی خانوادگی‌شان توانستند با نگاه عمیق فرهنگی به مقوله آثار تاریخی و مخصوصاً بافت تاریخی، تحول و دگرگونی بسیار مثبتی را در مسئولین و مقامات استان و بعضی افراد سرشناس شهر ایجاد کنند. همچنین ضمن توجه به اهمیت کار مرمت و بازپیدایی ابنیه و آثار تاریخی احترام خاص و فوق‌العاده‌ای برای معماران و بنّایان و در حقیقت سازندگان و ایجادکنندگان این آثار قائل بوده و هستند. عین همین مرام و معرفت و احترام نسبت به معماران و استادبناها را قبلاً بارها در رفتار مرحوم دکتر شیرازی دیده بودم.

به هر حال اینگونه رفتار آقای اولیاء در آن مقطع زمانی در یزد هم تأثیر درون سازمانی داشت و هم گفتار و بیان گرم و بی شائبه ایشان در جلسات، نشست‌ها و هنگام بازدید اساتید دانشگاه و مسئولین و میهمانان از ابنیه و آثار تاریخی مخصوصاً مسجدجامع یزد و خانه‌های قدیمی و باغ دولت‌آباد تأثیر فراوانی بر مسئولان استانی گذاشت.

شایان ذکر است دفتر فنی حفاظت آثار باستانی یزد که از زمان تأسیس یعنی چند سال قبل از انقلاب در باغ دولت‌آباد مستقر شده بود در سال ۱۳۶۲ به علت پیش آمدن مشکلاتی، مجبور به ترک باغ موصوف شد و مدتی هم دفتر فنی در خانه نسبتاً کوچکی در جنب بقعه تاریخی سیدشمس‌الدین در محله چهارمنار مستقر شد و در همین حال و اوضاع نه چندان خوب چند ماهه دفتر فنی حفاظت آثار تاریخی یزد و در ابتدای سال ۱۳۶۳، خانه لاریها توسط جناب آقای دکتر اولیاء خریداری شد و پس از پاک‌سازی و انتقال بسیار زیاد زباله‌ها از آنجا و همچنین مرمت اضطراری خانه یاد شده دفتر فنی به این خانه انتقال یافت. استقرار دفتر فنی حفاظت آثار تاریخی استان یزد در خانه لاریها آن هم در دل قدیمی‌ترین محله یزد بسیار حائز اهمیت بود. این کار برای خیلی‌ها باورکردنی نبود و حتی برای افرادی این کار دیوانگی بود. خلاصه بعد از گذشت چندماه از استقرار دفتر فنی در خانه لاریها این خانه کانون رفت‌وآمد اساتید، دانشجویان معماری، مسئولین استان و بعضاً کشوری شد. ماهی نبود که یک جلسه‌ای در خانه لاریها برگزار نشود، اساتید و دانشجویان رشته معماری و عمران به خانه لاریها می‌آمدند و بعد از بازدید و استراحت انگار در کوچه‌پس‌کوچه‌های بافت تاریخی جاری و منتشر می‌شدند. در همان سال‌ها بود که جناب آقای توسلی روی یافت و برزن فهادان که شامل چند محله تاریخی و در همسایگی یکدیگر بودند، کار می‌کردند و دو الی سه سال بعد گزارشات طرح بهسازی یا طرح تفصیلی ایشان در مورد این محدوده بافت تاریخی یزد، به تدریج منتشر شد و سال‌ها طرح موصوف و ضوابط آن ملاک عمل میراث فرهنگی استان برای پاسخگویی به استعلام‌های مردم و شهرداری ناحیه تاریخی یزد بود. آقای دکتر محمدرضا اولیاء از سال ۱۳۶۰ تا اواخر ۱۳۶۷ مدیر دفتر فنی حفاظت آثار باستانی استان یزد بودند و از سال ۱۳۶۶ که سازمان حفاظت آثار باستانی ایران به میراث فرهنگی کشور تبدیل شد ایشان با حفظ سمت مدیریت میراث فرهنگی استان یزد، مسئولیت مدیرکل حفظ و احیاء بناها و محوطه‌های تاریخی کل کشور را نیز به عهده گرفتند.

حدوداً از سال ۶۷ مجدداً بحث لزوم تهیه طرح تفصیلی بافت تاریخی یزد به غیر از برزن فهادان در جلسات و سازمان میراث فرهنگی کشور مطرح گردید و مهندسین مشاور جبارنیا تهیه طرح موصوف را از طرف دفتر بهسازی وزارت مسکن و شهرسازی عهده‌دار شدند. طرح تفصیلی یاد شده در اوایل سال ۱۳۷۳ به تصویب رسید جریان این طرح تفصیلی بافت تاریخی از روزی که در یزد مطرح شد تا روزی که به تصویب رسید افت و خیز بسیار

داشت. از یک طرف حساسیتی که سازمان میراث فرهنگی کشور روی بافت تاریخی یزد پیدا کرده بود که نه تنها حاضر شد در چند مرحله کارشناسان خود را جهت حضور در جلسات متعدد بررسی طرح به یزد اعزام کند بلکه در سه مرحله اساتید مجرب معماری دانشگاه‌های تهران به اتفاق جمعی از دانشجویان ارشد خود جهت بررسی و ارزیابی طرح تفصیلی یاد شده به صورت میدانی به یزد اعزام و از یک هفته تا بیش از دو هفته در یزد مستقر و نظرات اصلاحی خود را به سازمان ارائه می‌کردند، از طرف دیگر دفتر بهسازی وزارت مسکن در آن زمان معتقد بود که طرح تفصیلی یاد شده برای اولین بار است که در این حجم و مقیاس در کشور کار شده و توقع داشتند هر چه زودتر در استان به تصویب برسد که بنابر دلایل مطرح شده، اینگونه نشد و به علت تعلل مشاور در اصلاح طرح یاد شده، طبق نکته نظرات اصلاحی که به صورت مکتوب از طرف سازمان میراث فرهنگی کشور به مشاور اعلام شده بود طرح تفصیلی یاد شده نزدیک به ۱۸ ماه به عقب افتاد و در نهایت در اوایل سال ۱۳۷۳ به تصویب رسید. طرح تفصیلی بافت قدیم یزد بعد از تصویب تاکنون ملاک عمل میراث فرهنگی و شهرداری ناحیه تاریخی برای صدور مجوز ساخت‌وسازها، تعریض معابر، کاربری پلاک‌ها و سایر موارد در بافت تاریخی یزد می‌باشد.

چیدمان: اگر بخواهیم با رویکرد آسیب‌شناسی به عملکرد میراث فرهنگی یزد در طول دوران بعد از انقلاب و پیش از آن نگاه کنیم مسائل، مشکلات و چالش‌هایی که با آن مواجه بوده‌اید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر اینجانب اگر بخواهیم قدری عمیق‌تر به سؤال شما و موضوع آن نگاه کنیم باید آن را به دو بخش تقسیم کنیم، یک بخش سازمان میراث فرهنگی به عنوان یک سازمان تخصصی و متولی شناخت، معرفی، حفظ، احیاء و مرمت ابنیه و آثار تاریخی و بخش دیگر به عنوان متولی بافت‌های فرهنگی تاریخی و مسائل مربوط به آن‌ها.

در بخش اول که نگاه می‌کنید می‌بینید در حوزه شناخت، معرفی و پژوهش، خوشبختانه الان دانشگاه‌های مختلف نسبت به رشته‌های معماری، باستان‌شناسی و حتی مردم‌شناسی فعال هستند اما در حوزه حفظ و احیاء که ۷۰٪ کار، جنبه عملی و اجرایی در کارگاه به خود می‌گیرد، می‌بینید که هر سال که می‌گذرد تعداد نیروی متخصص و ماهر مثل معماران و استاد بناهای هنرمند و مجرب کمتر می‌شود و اگر روال کار به این صورت پیش برود، پیش‌بینی اینجانب این است که تا ۲۰ یا ۳۰ سال دیگر به عنوان مثال اگر قسمتی از بنای تاریخی بقعه سیدرکن‌الدین در جنب میدان وقت و ساعت یزد به علت حادثه‌ای خراب شود آن وقت قرار است میراث فرهنگی استان برای بازسازی و مرمت، از کجا استاد بنا و معمار مجرب وارد کند؟

این را با آگاهی و تجربه سال‌ها رفت‌وآمد در کارگاه‌های مختلف



مرمت و بازسازی ابنیه و آثار تاریخی می‌گویم که همین الان هم بعضی استان‌ها برای تعمیرات ابنیه و آثار تاریخی مهم خود به علت نداشتن نیروی ماهر یاد شده به مشکل جدی برخورد کرده‌اند و ای‌کاش سازمان میراث فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی و حتی از دو دهه پیش توانسته بود با همکاری و تعامل با بخش خصوصی نسبت به ایجاد هنرستان‌ها و کارگاه‌های پیش‌دانشگاهی معماری مخصوصاً در شهرها و استان‌هایی مثل یزد، اصفهان، تبریز و کاشان و در یک دوره حداقل ۱۰ ساله نسبت به گزینش، تربیت و آموزش هنرجویان و دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند و با حضور معماران و استادبناهای مجرب اقدام نماید. در حال حاضر هم هرچند متأسفانه در این ۱۰ یا ۱۵ سال گذشته تعدادی از معماران و استادبناهای درجه یک استان یزد به رحمت خدا رفته‌اند اما هنوز هم به نظر اینجانب در شهرهای یاد شده چنانچه کار با حدیث و برنامه‌ریزی انجام شود امکان این کار خواهد بود. شایان توجه است که چنانچه تشکیلات یاد شده بتواند این فن و مهارت بومی و ایرانی اسلامی را در نسل امروز و آینده باز تولید و تربیت کند آن وقت می‌بینید همین امروز هم یکی از مؤلفه‌های اصلی مرمت و ساماندهی و احیاء بافت قدیم و بافت فرهنگی تاریخی استان یزد محسوب می‌شود.

و اما در مورد نگاه آسیب‌شناسانه به عملکرد میراث فرهنگی در طول دوران بعد از انقلاب مخصوصاً در مورد بافت تاریخی شهر به نظر اینجانب بزرگترین غفلتی که کردیم این بود که نتوانستیم یک طرح جامع مرمت و احیاء بافت تاریخی یزد را تدوین و طراحی و حداقل در یک یا دو محله بافت قدیم اجرا کنیم که این طرح جامع از مسائل ریز کالبدی بافت تاریخی، فرهنگی یزد مثل گونه‌شناسی انواع خانه‌ها و نوع آسیب‌دیدگی آن‌ها گرفته تا مسائل اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و اقتصادی و مخصوصاً امنیت بافت تاریخی را به صورت همه جانبه و با حضور کارشناسان مجرب هر رشته و همچنین حضور افراد فعال و علاقه‌مند به بافت تاریخی و ترجیحاً ساکن در بافت تاریخی را شامل شود برای مثال ما در زمینه مسائل فرهنگی بافت، تاکنون هیچگونه طرح و برنامه‌ای که به نفع مردم ساکن در بافت تاریخی باشد نداشتیم و متأسفانه فرصت‌های بسیار خوبی را در همه زمینه‌ها، بالخصوص مسائل فرهنگی از دست داده‌ایم. به عنوان نمونه خانه قدیمی و بسیار باارزش از نظر معماری معروف به خانه محمودی که جزو مجموعه تاریخی عرب‌ها و در کوچه مقابل مسجد چهل محراب قرار دارد. در سال ۱۳۶۸ از طرف میراث فرهنگی خریداری شد و مدتی بعد، بنابر پیشنهاد میراث فرهنگی استان قرار شد این خانه به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این منطقه تبدیل شود. این طرح از طرف سازمان میراث فرهنگی کشور مخصوصاً مرحوم آقای دکتر شیرازی مورد استقبال قرار گرفت و من خودم در جریان بودم که شخص ایشان کارهای هماهنگی با کانون پرورش فکری مرکز در تهران را دنبال و مشارکت آن‌ها را در این زمینه جلب نمودند.

مرمت خانه و بازپیدایی آن با این نیت انجام گرفت، حتی ارتفاع

و بلندی پله‌ها برای تسهیل در رفت‌وآمد بچه‌ها تنظیم و اصلاح گردید اما هنگامی که مرمت و بازپیدایی این خانه به اتمام رسید و به اصطلاح چشم باز کرد، دوستان استانداری در آن زمان پیشنهاد کردند که این خانه باشد برای مهمانان خارجی استانداری و مسئولین سازمان هم پیشنهاد کردند این خانه باشد برای موزه یا نمایشگاه براق‌آلات سازمان، به هر حال این خانه به هیچکدام از این کاربری‌ها تن نداد و تا الان که بیش از دو دهه از آن زمان می‌گذرد حسرت تبدیل به کانون پرورش فکری برای کودکان و نوجوانان آن زمان محله فهادان، محله شاه ابوالقاسم، محله کوشکنو، محله وقت و ساعت و دیگر محلات تاریخی منطقه به دلش مانده است.

این توضیح را هم بدهم که قصدم از بیان و یادآوری این موضوع مقصر نشان دادن کسی نبود و نیست، مقصودم این است که نه آن روز و نه حتی امروز هم قدر مردم ساکن در بافت را مخصوصاً خانواده‌های بومی و اصیل را نمی‌دانیم و امروز هم به جای اینکه در زمینه‌هایی یک فکر اساسی، یک طرح اساسی برای آسایش و امنیت زندگی در بافت تاریخی را مطالعه و بررسی و در حد امکان اجراء کنیم، همگی به دنبال به ثبت جهانی رساندن بافت تاریخی یزد هستیم که البته این کار در حد و اندازه خود مطلوب و خوب است. اما این حقیر فکر نمی‌کنم هیچکدام از ما مایل باشیم که روزی بافت تاریخی یزد به ثبت جهانی برسد اما زندگی خانوادگی و روح زندگی از کالبد بافت تاریخی و خانه‌ها رخت بر بسته باشد آن وقت به فرض اینکه بتوانیم تعدادی از خانه‌ها را خیلی شیک و مرتب سروسامان دهیم اما برای خوشامد توریست‌ها مجبوریم در خانه‌های خالی و شیک یاد شده نوار زندگی پخش کنیم الی آخر.

اینجانب چند مورد دیگر را مدنظر داشتم که مطرح نمایم ولی به خاطر ضیق وقت فقط به یک مورد اساسی اشاره می‌کنم و آن موضوع یا مسأله خانه‌های به اصطلاح گودال باغچه‌دار هست که به نظرم خود این خانه‌ها دارای گونه‌های مختلف و در محلات بافت تاریخی پراکنده‌اند و بزرگترین وجه اشتراک آن‌ها در این است که سازمان کالبدی آن‌ها بیشتر درون زمین است. تا آنجا که خبر دارم هنوز تعداد این خانه‌ها و نوع پراکندگی آن‌ها در بافت تاریخی مشخص و معلوم نیست. به لحاظ تجربه‌ای که زمان مسئولیت‌م در میراث فرهنگی و در بازدید تعدادی از این خانه‌ها داشتم خیلی از آن‌ها ارتباط کالبدی با جوی‌ها، پایاب‌ها و مسیر یا بریده قنوات دارند و حتماً در معرض آسیب‌هایی بوده و هستند که در ظاهر هم مشخص نیست. پیشنهاد اینجانب این است که میراث فرهنگی با همکاری دانشکده‌های معماری در مرحله اول نسبت به شناسایی و ارزیابی تعداد آن‌ها در هر مرحله و بررسی ویژگی‌های معماری و کالبدشان اقدام کند و در نهایت انجام مرمت اضطراری در اولویت قرار گیرد. ■